

فصلنامه نهج البلاغه آینه فرهنگ علوی و نمایشگاه حکومت امیرمؤمنان علیه السلام است. ویژگی حکومت علوی که آوازه آن مرزها و زمانها را درنور دیده و به عنوان الگوی عدالت بشری و حاکمیت اسلامی در جهان مطرح است، دارای ابعاد گوناگونی است که هر یک به تنهایی شایسته بحث و بررسی بوده و می‌تواند برای کارگزاران حکومت‌های مردمی و اسلامی دستوری متین و ارزشمند و برتر مورد استفاده قرار گیرد.

یکی از نکات مهم حکومت علوی که در نهج البلاغه، اندیشمندان و جوامع را بخود جلب و جذب کرده مسأله مدیریت است. امام علیه السلام با دانش خدادادی و روحیه‌ای الهی و قدرتی ملکوتی توانست جامعه را براساس اصول و مبانی عالی اداره کرده و در حال جنگ و صلح، عدالت آرمانی بشر را به منصه بروز و ظهور برساند.

لذا یکی از دیدگاه‌هایی که باید دانشمندان و محققان درباره آن به کاوش و پژوهش بپردازند، «مدیریت علوی» است که نه تنها در چهارچوب تئوری و گفتمان مطرح شده، بلکه در حوزه عمل به اجرا درآمده و در جامعه تحقق یافته. اگرچه امیر مؤمنان علیه السلام با مشکلات و کارشکنی‌های فراوانی روبرو شد ولی توانست با تمام آنها با تدبیر و قاطعیت بی نظیر برخورد کند و آن را به عنوان قانون و قاعده در نظام اداری و سیاسی کشور اعلام و اعمال نماید.

مدیریت اسلامی و علوی بر دو پایه جسم و جان استوار است زیرا زندگی انسان بر این دو پایه مستقر است و اگر یکی از این دو نادیده گرفته شود قطعاً مدیریت، ناقص و ناتوان خواهد بود و جامعه نمی‌تواند به رشد و سعادت برسد.

امام علیه السلام مدیریت عالی کشور را بر اساس این دو رکن تنظیم کردند زیرا زندگی مردم نمی‌تواند منحصر به قوانینی باشد که فقط جسم آنها را اداره کند و روح و معنویت و اخلاق را نادیده انگارد و البته در همه عرصه‌های زندگی، فراز و نشیب‌ها، جنگ و صلح، باید آن اصول را در نظر داشت.

۱. پاسخ سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد به نامه ریاست بنیاد نهج البلاغه که به تاریخ ۸۲/۱۱/۲۸ ارسال و در فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه شماره ۳۲ صفحه ۹ در زمستان ۱۳۹۰ منتشر شده است.



مدیریت و عدالت

در هر صورت مدیریت نیاز به این دو رکن بویژه رکن انسانی و معنوی دارد. امام (علیه السلام) در دوران حکومت خود به این اصل مهم توجه داشت و آن را در یک عنوان عام و شامل اعلام فرمود و آن «اصل عدالت» است و مدیریت بدون عدالت مفهومی ندارد و عدالت هم بدون قانون جامع و کامل و نیز بدون حاکم عادل که در برابر زیاده‌خواهان و ویژه‌خواران و ارباب زر و زور و تزویر بایستد، امکان‌پذیر نیست. حاکم عادل که جز حق و عدالت به چیز دیگری توجه نکرده و هیچ رابطه‌ای را بر ضابطه مقدم نداشته و هیچ فردی، حتی نزدیک‌ترین افراد به او نتواند مانع اجراء قانون و عدالت گردد.

بدیهی است در چنین شرایطی همه ارکان نظام و مدیریت‌های کلان در جای خود قرار گرفته و همگان بویژه مظلومان و مستضعفان به آسانی به حق خود رسیده و فضای عادلانه سایه افکنده و همه اجازه پیشرفت و ترقی یافته و هیچ ظالم و غارتگری نمی‌تواند به حقوق دیگران تجاوز کند.

لذا امام - درود خدا بر او - در آغاز حکومت خود چنین اعلام فرمود:

«...وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يُقَارَوا عَلَى كَيْفَةٍ ظَالِمٍ، وَلَا سَعْبٍ مَظْلُومٍ...»^۱

«...اگر نبود، عهده‌ی که خدای از عالمان گرفته است که بر شکمبارگی ستمگر و محرومیت

ستم‌دیده «صحّه» نگذارند حتماً افسار خلافت را راها می‌کردم...»

و در بیانی دیگر فرمودند:

«وَأَيُّمَ اللَّهِ لَا تُصَفَّنَ الْمَظْلُومُ مِنْ ظَالِمِهِ وَلَا تُؤَدَّنَ الظَّالِمُ بِجَرَامَتِهِ حَتَّى أوردَهُ مِنْهُلِ الْحَقِّ وَإِنْ كَانَ كَارِهاً»^۲

سوگند به خدا که داد مظلوم را خواهیم گرفت و یقه ظالم را، تا حق را از او بستانم گرچه ناخوش دارد.

و از آن صریح‌تر:

«إِنَّهُ لَيْسَ عَلَى الْإِمَامِ إِلَّا مَا حَمَلَ مِنْ أَمْرِ رَبِّهِ الْإِبْلَاحُ فِي الْمَوْعِظَةِ، وَالْاجْتِهَادُ فِي التَّصْحِيحِ، وَ

الْإِحْيَاءُ لِلسُّنَّةِ، وَإِقَامَةُ الْحُدُودِ عَلَى مَسْتَحِقِّهَا، وَإِصْدَارُ السُّهُمَانِ عَلَى أَهْلِهَا...»^۳

«بی‌تردید امام مسئولیت و وظیفه‌ای جز آنچه خدا به او فرمان داده، ندارد: پندها را بدیشان

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳

۲. همان، خطبه ۱۳۶

۳. همان، خطبه ۱۰۴

برساند، در نصیحت و خیرخواهی بکوشد. سنت پیامبر ﷺ را زنده کند، حدود الهی را بر آنها که باید، جاری سازد و بیت‌المال را به اهلش برساند.»

یعنی علاوه بر موعظه و نصیحت؛ احیاء سنت و اقامه حدود و تقسیم عادلانه بیت‌المال از روشن‌ترین مظاهر عدالت و مدیریت عالی حکومت علوی است.

مبارزه در راه استقرار عدالت

امام- درود خدا براو- در این رابطه با مسئولان و بزرگان قوم به شدت برخورد کرده و به آنان هشدار می‌دهد که چرا به ظالمان و متجاوزان به حقوق مظلومان و محرومان برخورد نکردید :

«وَقَدْ تَرَوْنَ عَهْدَ اللَّهِ مَنقُوضَةً فَلَا تَغْضَبُونَ... فَمَكَنْتُمُ الظَّالِمَةَ مِنْ مَنْزِلَتِكُمْ وَالْقِيَمَةُ إِلَيْهِمْ أَرْمَتَكُمْ وَأَسَلَّمْتُمْ أُمُورَ اللَّهِ فِي أَيْدِيهِمْ، يَعْمَلُونَ بِالشُّبُهَاتِ وَكَيْسِرُونَ فِي الشَّهَوَاتِ...»^۱

«راستی شما را چه شده است که پیمان‌های الهی را شکسته بینید ولی به خشم نیابید، در حالیکه شکسته شدن پیمان‌های پدرانان را عار می‌دانید؟ آری شما که در رأس امور دینی بودید... اما کارتان به جایی رسید که ستمگران را جای دادید تا از موقعیت شما سوء استفاده کنند و اختیاراتان را بدان‌ها سپردید و احکام الهی را بدیشان تسلیم کردید تا به شبهه‌ها عمل کنند و در شهوت‌ها و هوس‌ها کام زنند...»

روشن است که شکستن پیمان‌های الهی که در ادامه به روشنی تفسیر شده همان امکان دادن به ظالمان و نایستادان در مقابل آنان و ندادن اختیار جامعه بدانان است که امام به شدت آن را پیگیری و برای مقابله با آنان اقدام نمودند.

امام (علیه السلام) یکی از پایه‌های مهم مدیریت را مقابله و مبارزه قاطع با غارتگران و ستمگران می‌داند و روشن‌ترین مظاهر اصلاح و مدیریت اسلامی را در این امر بیان می‌کند و به صراحت می‌فرماید که این حرکت مهم برای دفاع و حمایت از مظلومان و ایجاد فضای عدالت می‌باشد نه برای اظهار قدرت :

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَعْلَمُ أَنَّكَ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ... وَلَكِنْ لِنَرْدِ الْعَالَمِ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرِ الإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، فَيَأْمَنُ الْمُظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَتُقَامُ الْمُعْظَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ»^۲

بارخدایا تو می‌دانی که مبارزات و جهادمان به خاطر اشتیاق به قدرت و حکومت و فراچنگ



۱. همان، خطبه ۱۰۵

۲. همان، خطبه ۱۳۱



آوردن ثروت نبود بلکه تا نشانه‌ها و پرچم دینت را برافرازیم و اصلاح را در شهرهایت آشکار کنیم تا بندگان ستم‌دیده امنیت و پناه گیرند و قوانین تعطیل شده‌ات اجرا شوند»
نشانه‌ها و پرچم دین و انجام اصلاحات مقدمه امنیت مظلومان و اجراء قوانین عادلانه و درنهایت مدیریت عالی علوی است.
مسأله مدیریت علوی از مهم‌ترین موضوعاتی است که باید به‌طور جدی مطرح شود و علماء و محققان در رابطه با آن تحقیق نموده و به شکل طرح یا برنامه به کشور و دنیا عرضه نمایند.
مقالات این شماره فصلنامه در همین راستا نگاشته شده و امید است مورد توجه مسئولان و مجریان امر قرار گیرد و در تشکیلات جمهوری اسلامی بیش از پیش به اجرا درآید، ان شاء الله.

سیدجمال‌الدین دین‌پرور